



درآمدی بر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

سیدمحمد کاظم رجائی / استاد گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

rajaii@iki.ac.ir

 orcid.org/0000-0002-3275-9439

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

چکیده

اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های آن الگویی عملی برای پیشرفت اقتصاد ایران ارائه می‌دهد. با این وجود، هنوز شاخص‌های منسجمی از اقتصاد مقاومتی برای سنجش عملکرد واقعی اقتصاد کشور ارائه نشده است. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی به استخراج شاخص‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته شده؛ شاخص‌های پیشنهادی در مقاله بر اساس مولفه‌های محوری اقتصاد مقاومتی، یعنی حرکت جهادی، دانش‌بنیانی، مردمی‌سازی، درون‌زایی و عدالت‌محوری طراحی شده است. بر اساس نتایج تحقیق، هریک از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی را می‌توان با مجموعه‌ای از شاخص‌ها مورد سنجش قرار داد. شاخص‌های پیشنهادی می‌تواند در برنامه‌های پیشرفت کشور استفاده و برای سنجش میزان تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در این برنامه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، معیارهای اقتصاد مقاومتی، دانش‌بنیانی، مردم‌محوری، درون‌زایی.

طبقه‌بندی C62, P4.:JEL

پس از جنگ تحمیلی و شکل‌گیری مجدد نظام برنامه‌ریزی در کشور، راهبرد بازار آزاد با نام «سیاست تعدیل»، راهبرد محوری برنامه‌های توسعه قرار گرفت. از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان کشور، مهم‌ترین عواملی که موجب فقر اقتصادی در جامعه شده‌اند و همچنان مورد توجه تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان کشور هستند، ریشه در سیاست‌های تعدیل و راهبرد نظام بازار دارند.

مهم‌ترین راهبردهای توسعه را به راهبرد پولی، اقتصاد باز، راهبرد صنعتی شدن، انقلاب سبز، راهبردهای توزیع مجدد، و سرانجام راهبردهای سوسیالیستی توسعه تفکیک می‌کنند (ر.ک: گریفین، ۱۳۸۲، ص ۵۴-۶۱). گریفین تجربه اجرای دقیق راهبرد اقتصاد باز را در کشورهایی مانند شیلی و برزیل بررسی و آن را منشأ مشکلات عدیده‌ای در حد فروپاشی اقتصاد این کشورها، به‌ویژه شیلی، معرفی کرده است.

جهش نرخ ارز و عدم ثبات آن، افزایش سریع، جهشی و غیرمتعارف قیمت کالاها و خدمات، و فقدان نظارت جدی دولت، به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد با افزایش هزینه تولید تناسبی ندارد، واردات بی‌رویه از سوی و یارانه‌زدایی از سوی دیگر، اهم سیاست‌های راهبرد تعدیل را تشکیل می‌دهند. تقریباً همه این سیاست‌ها کم‌وبیش با شدت و ضعف در دولت‌های مختلف اعمال شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که حتی در سند تحول دولت اول گام دوم انقلاب و لایحه برنامه هفتم پیشنهادی دولت به مجلس شورای اسلامی نیز همین سیاست‌ها مشاهده می‌شوند. درحالی‌که حدود ۸۰ درصد ارز در کشور توسط دولت و شرکت‌های دولتی عرضه می‌شود، تعبیر سازوکار بازار و واگذاری شکل‌گیری نرخ ارز به آن غیرفنی است. از سوی دیگر، شوک‌های ارزی، منشأ تعطیلی مؤسسات اقتصادی بوده و کاهش تولید و اشتغال را به دنبال داشته است. همچنین به‌صورت متوالی زمینه را برای افزایش بعدی نرخ ارز و چرخه افزایش تورم، رکود و بیکاری را فراهم می‌سازد.

واردات بی‌رویه به‌شکل قانونی و قاچاق، تأثیر منفی زیادی بر تولید و اشتغال داشته و مشکلات زیادی برای مؤسسات تولیدی ایجاد کرده با آنها را به تعطیلی کشانده است. با فرض توجیه‌پذیر بودن واردات آزاد در شرایط عادی، در موقعیت جنگ سنگین اقتصادی و ضرورت صرفه‌جویی در هزینه‌های ارزی، واردات بی‌رویه توجیهی نخواهد داشت. تورم سنگین و عدم تناسب آن با درآمد عموم مردم، منشأ کاهش قدرت خرید صاحبان درآمد ثابت و افزایش تعداد خانواده‌های فقیر و شکاف بیشتر طبقات درآمدی شده است (ر.ک: نمازی، ۱۳۹۹).

زمانی که مسئله آسیب‌پذیری مطرح و راهبردها و راهکارهایی برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام ارائه می‌شود، ادبیات اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی برآمده از فرهنگ اسلامی و انقلابی، الگویی الهام‌گرفته از مکتب اقتصادی اسلام، مردمی با رویکرد جهادی، دانش‌بنیان، فرصت‌ساز و مولد، پویا و پیشرو، درون‌زا، برون‌گرا، انعطاف‌پذیر و عدالت‌بنیان است؛ که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه، از توان لازم برای تحقق پیشرفت جامعه اسلامی برخوردار است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

اقتصاد مقاومتی به دلایل زیر می‌تواند راهبرد محوری در برنامه هفتم پیشرفت باشد:

اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریمی و نبرد اقتصادی دشمن ارائه شد. از این جهت، گرچه مختص شرایط تحریمی نیست، حاوی بعد امنیتی و ایمنی در برابر آسیب‌های اقتصادی است؛

اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که نه تنها در برابر تهدیدهای نظام سلطه، بلکه در برابر تمام تکانه‌های خارجی و داخلی مقاوم است و تاب‌آوری می‌کند. از این رو در اقتصاد متلاطم کشور ما قابلیت راهبرد محوری را دارد؛ اقتصاد مقاومتی جهت مقاوم‌سازی بُعد اقتصادی نظام اسلامی، تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و رشد توأم با عدالت در بلندمدت است.

درباره اقتصاد مقاومتی کتب و مقالات متعددی نگاشته و آثار ارزشمندی تألیف شده است؛ از جمله آثار ذیل که مبتنی بر اندیشه اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری نگاشته شده‌اند:

کتاب *اندیشه تحریم و خودباوری* (نجفی، ۱۳۹۱)، با محوریت مباحث تحریم تنباکو؛

کتاب *مقاوم‌سازی اقتصاد در ادبیات متعارف، مبادی علمی و نظری* (پیغامی و سمیعی‌نسب، ۱۳۹۴)؛

کتاب *اقتصاد مقاومتی (زمینه‌ها - راهکارها)* (اختری، ۱۳۹۵)؛

کتاب *اقتصاد مقاومتی (درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل)* (عبدالملکی، ۱۳۹۳)؛

کتاب *درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی* (پیغامی، ۱۳۹۳)؛

کتاب *جستارهایی در اقتصاد مقاومتی؛ تحریم‌های اقتصادی ایران؛ مبانی، ابعاد و راهکارها* (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴)؛

کتاب *نظام اقتصاد مقاومتی (الگوی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام)* (یوسفی، ۱۳۹۵)، به صورت مفصل به بحث نظام اقتصادی، اهداف و مبانی آن و بعضاً به اختصار به شاخص‌ها هم پرداخته است.

کتاب *خاکریز اقتصادی؛ خوانشی بر اقتصاد مقاومتی* (توکلی، ۱۳۹۵).

همچنین مقالات متعددی نگارش یافته‌اند که بیشتر در خصوص برخی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی هستند؛ مانند:

- «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)» (میرمعزی، ۱۳۹۱)؛

- «مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور» (یوسفی، ۱۳۹۳)؛

- «الگوی عدالت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی» (شیخ و همکاران، ۱۳۹۸)؛

- «ثبات اقتصادی در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی» (خلیلیان، ۱۳۹۵)؛

- «اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن» (نوفرستی، ۱۳۹۵)؛

- «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» (تراپزاده

جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲)؛

- «اثرات فساد مالی بر درون‌زایی اقتصاد ایران» (شقایق شهری و کریم، ۱۳۹۵)؛

همچنین مقالاتی در مجموعه مقالات کنگره اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۶ به نگارش درآمده است.

عناوین کتب و مقالات گویای مطالب است. در این تحقیقات، بیشتر به مفهوم‌شناسی، بیان مبانی، اصول و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. تقریباً هیچ‌کدام به معیارها و شاخص‌ها به صورت منسجم ورود پیدا نکرده‌اند. مزیت این مقاله در این است که بر شاخص‌ها متمرکز است. شاخص‌های متناظر با هر معیار با روش توصیفی - تحلیلی استخراج شده است تا زمینه برای هدف‌گذاری در برنامه‌های پنج‌ساله پیشرفت کشور فراهم شود.

۱. مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

اجزا و ارکانی که نظریه اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهند، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی هستند. چنان‌که از تعریف اقتصاد مقاومتی به دست آمد، رویکرد جهادی، مردم‌بنیانی، درون‌زایی، عدالت‌محوری و دانش‌بنیانی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است که به ترتیب هریک تبیین مفهومی می‌شود و سرانجام معیارها و شاخص‌های هر کدام معرفی می‌گردد.

۱-۱. حرکت جهادی

در گفتمان قرآنی و روایی، جهاد فی سبیل‌الله نوعی تلاش و کوشش با انگیزه الهی، مخلصانه، تقابلی، جهشی، مستمر، همه‌جانبه و هوشمندانه است. جهاد فی سبیل‌الله علاوه بر انعکاس تقدس و جلوه‌گری اهمیت کار و کوشش، که در لفظ «جهد» نیز نهفته است، بیانگر قداست خاص، دارای جنبه حماسی و عبادی بودن نیز می‌باشد. حرکت جهادی مستلزم وجود روحیه جهادی و فرهنگ جهادی است. «روحیه جهادی یعنی اعتقاد به اینکه ما می‌توانیم؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴).

زیربنای حرکت جهادی در اقتصاد را فرهنگ جهادی شکل می‌دهد. در فرهنگ جهادی، نخستین گام تعمیق ایمان و تقوا و جهاد با نفس است که اصلاح نگاه انسان را به دنبال دارد. لازمه حرکت جهادی، تربیت توحیدی است. انسان تربیت‌یافته مکتب توحید، همه‌چیز حتی اعضا و جوارح خویش را موهبت الهی می‌داند و شکر آن را استفاده دقیق و صحیح از این نعمت‌ها می‌داند. تربیت توحیدی با بیکاری سازگار نیست؛ چنان‌که ائتلاف منابع را بر نمی‌تابد و با بی‌سوادی، بی‌تدبیری و فقر سازگار نیست.

تعمیق ایمان و ارتقای تقوا که از آن به تربیت توحیدی تعبیر می‌کنیم، توکل به خداوند متعال را در انسان ارتقا می‌دهد و در نتیجه انسان را به قدرت بی‌پایان الهی وصل و از طریق انگیزه انسانی رفتارها را متأثر و سرانجام ساختارها و نهادها را دگرگون می‌کند و بر رشد و پیشرفت اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

جهاد‌سازندگی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تجربه بسیج مردم در هشت سال دفاع مقدس، برگزاری باشکوه مراسم اربعین در امتداد شهرهای ایران از خراسان تا کربلای معلا، نمونه‌هایی کارا از حرکت پربرکت جهادی است.

۱-۲. دانش‌بنیانی

در طرح‌های تحقیقاتی مشهوری که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (او. ای. سی. دی) برای به‌پیش‌راندن کشورهای زیرمجموعه خود به‌سمت اقتصاد دانش‌بنیان منتشر کرده، چنین آمده است: «اقتصادی که بنیان آن مستقیماً بر تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات چیده شده باشد» (او. ای. سی. دی، ۱۹۹۶، اقتصاد دانش‌بنیان، ص ۷). طبق تعریف سازمان همکاری‌های آسیا - اقیانوسیه (ایپک)، اقتصادی دانش‌بنیان است که تولید، توزیع و کاربرد دانش در آن، محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی صنایع آن باشد. در چنین اقتصادی، تمامی صنایع و نه صرفاً آنهایی که با عنوان «بنا فناوری بالا» مشخص می‌شوند، باید دانش‌بنیان باشند (ایپک، ۲۰۰۰، ص vii).

مفهوم دانش‌بنیانی در ادبیات متعارف اقتصادی به‌گونه‌ای لحاظ شده است که با مفهوم جهانی‌سازی همگام است؛ به‌گونه‌ای که برخی معتقدند جهانی‌شدن و انقلاب فناوری، اقتصاد معاصر را به چیزی با نام «اقتصاد دانش» تبدیل ساخته است (حداد، ۲۰۱۷، ص ۲۰۳).

هرچند با دانش‌بنیانی بر پایه تعریف فوق، به‌ظاهر براساس گفته بانک جهانی فرصت‌های خوبی به دنیا عرضه می‌شود، اما چالش‌های فراوانی نیز به‌همراه دارد. اصولاً دست برتر در این حیطة با طرف‌هایی است که دارای قدرتی مستقل در این زمینه بوده و پیش‌تر از سایرین به آن رسیده‌اند. در این صورت، زمین بازی و فرصت‌ها به‌نحوی غیرمتقارن به‌نفع آنها و به‌زیان سایرین تنظیم می‌شود.

در جهانی‌شدن با مدیریت دانش و با ابزارها و نهادهای به‌اصطلاح بین‌المللی، حرکت به‌سمت یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌هاست و وابستگی متقابل جهانی تا آنجا پیش می‌رود که کاهش حاکمیت ملی طبیعی به‌نظر می‌رسد. کنوانسیون‌های بین‌المللی و پیوستن کشورها به این کنوانسیون‌ها که با مدیریت دانش به‌هدف پیشینه‌سازی نفع قدرت‌های برتر شکل گرفته است، موجب می‌شود مفاد کنوانسیون‌ها همانند قوانین داخلی کشورهای عضو شود. به‌عبارت‌دیگر مرتب تصمیم‌سازی و اراده اصلاح از داخل، جای خود را به اراده صاحبان قدرت جهانی برای اداره کشور بدهد.

در دانش‌بنیانی در اقتصاد مقاومتی، برخلاف دانش‌بنیانی در تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (او. ای. سی. دی)، دانش بومی منظور است، نه دانش وارداتی؛ دانشی که منشأ فناوری، نوآوری، کارآفرینی و مهارت‌آموزی است؛ در نتیجه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین سرمایه‌ها در اقتصاد تلقی می‌شود.

ارزش علم و دانش به‌اندازه‌ای است که خداوند متعال به قلم و آنچه می‌نویسد، سوگند خورده است (قلم: ۱ و ۲). آنچه مسلم است، این است که به‌فرموده امیرمؤمنان علی^{علیه السلام}، دانش، سلطنت و قدرت است؛ هر که آن را بیابد، با آن یورش برد؛ و هر که آن را از دست بدهد، بر او یورش برند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹). در نظام نبوی و علوی، پایه همه‌چیز، دانستن و شناختن و آگاهی و بیداری است.

اقتصاد مبتنی بر دانش بومی و بومی‌سازی فناوری، باعث افزایش بهره‌وری منابع تولید، کاهش هزینه‌ها، به‌ویژه هزینه‌های تبادل اطلاعات می‌شود. افزایش بهره‌وری عوامل تولید و کاهش هزینه‌ها باعث افزایش و ثبات رشد اقتصادی و درون‌زایی می‌گردد.

بر پایه مبانی فوق، سه چالش مهم در دانش‌بنیانی در کشور خودنمایی می‌کند: «انفعال در مدیریت دانش و سهم پایین دانش بومی، به‌ویژه در دانش تدبیر و وظیفه هدایت‌گری دولت»؛ «ضعف توجه به همراهی تزکیه و دانش» که مشخصه دانش بومی است؛ و «فرهنگ‌سازی انحصاری اقتصاد دانش‌بنیان به فناوری و کالانگاری دانش». ارائه شاخص، راهبرد و راهکار برای برون‌رفت از این سه چالش، ضروری می‌نماید.

۱-۳. مشارکت عمومی یا مردم‌محوری

مشارکت به معنای شریک شدن است (معین، فرهنگ معین ذیل واژه). براساس معنای لغوی، واژه مشارکت بار معنایی «با هم انجام دادن» یا «با هم انجام گرفتن» را در خود جای داده است؛ از این‌رو مشارکت مردمی در اقتصاد، یعنی مردم دوشادوش یکدیگر و دولت و ملت به‌عنوان مکمل هم، امور اقتصادی کشور را بر عهده گیرند و در پیشرفت کشور همکاری کنند.

آحاد مردم وقتی کنار یکدیگر قرار گیرند، قدرت وصف‌ناپذیری شکل می‌گیرد که قابلیت حل معضلات اقتصادی و اجتماعی را خواهد داشت. طبیعی است که هزینه‌های دفاع در مقابل حمله‌های مشرکان، هزینه‌های رفع فقر و هزینه‌های دولت اسلامی، تنها با مشارکت گسترده مردم قابل تأمین مالی است. سیره سیاست‌گذاری رسول خدا ﷺ بر این بود که پیوند وثیقی میان مردم و بین مردم و حاکمیت پدید آورد (رجائی، ۱۴۰۲).

اقتصاد مقاومتی مردم‌محور است؛ «یعنی... اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند... کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است؛ مال مردم است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۳/۱/۱). به‌عبارت‌دیگر، در یک اقتصاد مردم‌محور، علاوه بر آنکه لازم است تمامی عوامل تولید، یعنی نیروی کار و سرمایه، به‌دست مردم باشد، باید مؤسسات تولیدی و بنگاه‌ها نیز به‌دست مردم مدیریت شوند. همچنین تصمیم‌گیری فعالیت‌های اقتصادی کشور توسط مردم انجام پذیرد (ر.ک: قاسمی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲).

آن نوع از مشارکت مردمی در یک اقتصاد می‌تواند موجب مقاوم‌سازی اقتصاد شود که بتواند شوک‌های نامطلوب ناشی از تحریم یا تکانه دیگر را به‌خوبی تحمل و جذب کند و نه تنها از خروج اقتصاد از مسیر پیشرفت جلوگیری کند، که شوک وارده را به فرصت تبدیل کند و آن را به راهبردی برای پیشرفت کشور مبدل سازد. مشارکت مردم در اقتصاد باعث پویایی، بالا رفتن بهره‌وری، کارایی، و نشاط اقتصادی می‌شود و رشد و شکوفایی و پیشرفت را در پی دارد. بر پایه دیدگاه مقام معظم رهبری، یک حکومت در هیچ جهتی بریده از مردم نمی‌تواند کار کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۳/۱۰/۷).

توجه به این نکته ضروری است که مردمی‌سازی و خصوصی‌سازی، مستقل از یکدیگرند. تمرکز و تداول ثروت در دست اغنیا، با خصوصی‌سازی سازگار است؛ درحالی‌که با مردمی‌سازی متعارض است. تجربه بسیج مردم در هشت سال دفاع مقدس که برگرفته از الگوی نبی مکرم اسلام ﷺ صورت گرفت، نمونه‌ای از مردمی‌سازی است. در

اسلام، مردم و دولت مکمل یکدیگرند. خطابات قرآنی که وظیفه دولت را تعیین می‌کند، مانند وظیفه تمیق ایمان و تقوا و وظیفه عدالت و رفع فقر، هم‌زمان به مردم و دولت صورت گرفته است. همان‌گونه که به مردم دستور داده شده است زکات دهند و انفاق کنند، به رسول به‌عنوان منصب ولایت نیز فرمان داده شده است که زکات بگیرد و همان‌گونه که نبی می‌گوید: «امرت لاعدل بینکم»، به مردم هم فرمان «اعدلوا» صادر شده است. مردم مکلف‌اند امور را داوطلبانه به‌دست گیرند و نیازهای اجتماعی را خود برطرف سازند.

دولت اسلامی به‌معنای «حاکمیت ولی بر پایه مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی برای هدایت جامعه به‌سمت پیشرفت» است. این دولت موظف به فعالیت‌هایی است که عموم مردم انگیزه ورود یا امکانات ورود به آن را ندارند؛ همچنین مکلف به تمیق ارزش‌های اسلامی‌ای است که زمینه‌ساز تربیت توحیدی، یعنی پایه‌ای‌ترین زیرساخت اقتصاد است. تأمین زیرساخت‌های مرحله بعدی، اعم از امنیت، آموزش عمومی، بهداشت و درمان، فراهم‌سازی زمینه‌های اشتغال و زیرساخت‌های بخش کشاورزی، صنعت و خدمات، از وظایف دیگر دولت است. همچنین مسئولیت قانون‌گذاری، تأمین اجتماعی، پیشگیری و رفع فقر و کنترل بحران‌های طبیعی، مانند سیل و زلزله، بر عهده دولت است. دولت مکلف است مقدمات، لوازم، ریل‌ها و خطوط کلی اقتصاد را در جهت ایجاد و حفظ اقتصادی مقاوم و مردم‌محور، به‌نحوی فراهم سازد که مردم بتوانند به‌آسانی و بدون مشکلات، به کسب‌وکار و فعالیت‌های تولیدی - توزیعی اشتغال پیدا کنند و زندگی آرام و همراه با امید به آینده داشته باشند. افزون بر فراهم‌سازی زیرساخت‌ها، هدایت به‌سمت مطلوب در همه فضاها وظیفه اساسی دولت است.

۴-۱. درون‌زایی و برون‌گرایی

رهبر معظم انقلاب در تبیین درون‌زایی می‌فرماید:

در نگاه کلان، به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد...: یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین کنیم. ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها، یا استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است...؛ نگاه دوم به اقتصاد کشور، نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزهاست؛ می‌گوید: سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود؛ با فلان مستکبر کنار بیایم تا اقتصاد رونق پیدا کند؛ تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؛ این هم نگاه دوم است... امروز خارجی‌ها و رؤسای قدرت‌های مستکبر می‌خواهند همین نگاه دوم را در مردم ما تقویت کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۱/۳).

قرآن کریم تسلط کفار بر مسلمانان را نفی می‌کند و می‌فرماید: «خداوند برای کافران هیچ زمینه تسلطی بر مؤمنان قرار نداده است» (نساء: ۱۴۱). از آنجاکه نکره در سیاق نفی عموم را می‌رساند، به‌موجب آیه شریفه، تمام زمینه‌هایی که موجب سلطه کافران بر مسلمان می‌شود، ممنوع است. از سوی دیگر، کسب قدرت و تهیه نیرو، به‌ویژه در حدی که دشمنان خدا به ترس و وحشت بیفتند، باید صورت پذیرد (انفال: ۶۰).

اقتصاد مقاومتی درون‌زاست؛ یعنی تولید از توان فکری و فیزیکی داخلی، از خلاقیت و از دل ظرفیت‌های کشور و مردم بجوشد. درون‌زایی به معنای مولدیت و تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اتکا به داخل، نقطه کانونی اقتصاد مقاومتی است. درون‌زایی به منزله انزوطلبی نیست؛ بلکه مشخصه‌های اعتمادبه‌نفس، خودباوری و خوداتکایی دارد. خوداتکایی باید منجر به خودکفایی شود. اقتدار کشور به «خودکفایی در نیازهای اساسی و ضروری» است. اگر نگاه به داخل نباشد، طبعاً اتکا به داخل هم نخواهد بود. تا زمانی که نگاهمان به سرمایه، نیروی کار و فناوری خارجی باشد، درون‌زایی و در نتیجه مقاومت و رشد مداوم اقتصادی محقق نخواهد شد.

اولین معیار سنجش درون‌زایی، خودباوری است. اگر نگاه به داخل نباشد، اتکا به داخل و سرانجام درون‌زایی محقق نمی‌شود. شناخت ظرفیت‌های داخلی، مدیریت آن و ایجاد فرصت‌های متناسب با آن، قدم مهمی در راستای تقویت درون‌زایی است.

معیار دوم درون‌زایی، خوداتکایی و تکیه به داخل است. «تولید ثروت به وسیله فعالیت درونی کشور انجام بگیرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۱/۱)؛ «اقتصاد درون‌زا، از دل ظرفیت‌های خود کشور و مردم ما می‌جوشد و با درون‌گرایی تفاوت دارد. به این معنا نیست که اقتصاد کشور را محدود و محصور کنیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۳)؛ «مهم‌ترین عنصر درون‌زایی، اتکا به توان و ظرفیت داخل می‌باشد. اقتصاد درون‌زا اقتصادی است که مایه خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد... [آن وقت] اقتصاد رشد خواهد کرد؛ نمو خواهد کرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۱/۱).

سومین معیار درون‌زایی، خودکفایی در تولید کالاهای اساسی و محصولات ضروری است. رهبر معظم انقلاب علاوه بر اتکا به توان داخل، خودکفایی را مطرح می‌کنند. در واقع، خوداتکایی باید منجر به خودکفایی شود. «اقتدار و آبروی کشور در خودکفایی است و باید نیازهای مهم کشور را خودمان تولید و تأمین کنیم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۲/۲۵).

۱-۵. عدالت محوری

اقتصاد مقاومتی تنها در برابر تحریم و تکانه‌های خارجی مقاوم نیست؛ بلکه افزون بر آسیب‌های خارجی، نسبت به بحران‌های داخلی نیز مقاوم است. بنابراین مواسات، توانمندسازی، پیشگیری و رفع فقر، از ذاتیات اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی الهام گرفته از مکتب اقتصادی اسلام است و مکتب اقتصادی اسلام نسبت به «دادن حق هر صاحب حق به او» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۱)، استفاده درست از امکانات و «وضع الشيء فی موضعه» (نهج البلاغه، ۱۳۶۶، حکمت ۴۳۷)، «عدم تفاوت فاحش طبقاتی» (حشر: ۷) و «اعتدال و توازن» در سطح زندگی و درآمد و ثروت (حشر: ۷) و عدم رانت و «تساوی در موارد حقوق مساوی»، به شدت حساس است.

افزون بر آن، در صورتی اقتصاد مقاوم خواهد بود که ظرفیت معطل و نیروی انسانی بیکار در جامعه متمایل به صفر باشد. با اجرا و تحقق عدالت، همه ظرفیت‌ها به کار گرفته می‌شود؛ آحاد جامعه توانمند می‌شوند و امکان فعالیت

اقتصادی و کسب درآمد پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، ظرفیت خالی، امکانات معطل و نیروی بیکار متمایل به صفر خواهد بود. پس عدالت، افزون بر اینکه هدف اقتصاد مقاومتی است، عامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی نیز هست.

عدالت‌محوری در جامعه به‌مثابهٔ کل، مرادف «توازن» است. «توازن»، همسنگی افراد جامعه از حیث سطح زندگی، درآمد و ثروت است. به عبارت دیگر، سطح زندگی اعضای جامعه نباید از یکدیگر فاصلهٔ شدید داشته باشد. البته در داخل سطح مزبور، درجات متفاوتی به‌چشم می‌خورد؛ ولی این تفاوت برخلاف نظام سرمایه‌داری، تفاوت طبقاتی فاحش نیست. علاوه بر آن، این توازن پویاست و منحصر به زمان محدود نیست. با افزایش سطح درآمد جامعه، سطح زندگی ارتقا می‌یابد. با افزایش سطح زندگی، ممکن است خانواده‌هایی از کاروان پیشرفت جامعه جا مانده باشند و نتوانند خود را به سطح موجود عرف جامعه برسانند. خانوادهٔ گسترده، یعنی عموم مسلمانان براساس وظیفهٔ «تکافل» و نیز دولت اسلامی لازم است اقدام کنند و خانواده‌هایی را که از حرکت تکاملی روبه‌پیشرفت جا مانده‌اند، به کاروان سطح زندگی عمومی برسانند.

۲. معیارها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی

روشن است که استخراج دقیق معیارها و به‌ویژه شاخص‌ها با روش استنباط اجتهادی و معیارهای شاخصی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. با وجود این، آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به‌قدر تشنگی باید چشید. از این‌رو تلاش‌هایی در این وادی صورت گرفته است و ما درصدد تجمیع این تلاش‌ها و افزودن بر آن شدیم؛ باشد تا با تلاش محققان این حرکت ادامه و تکامل یابد و با بومی‌سازی به‌معنای واقعی علوم انسانی، به‌جای شاخص‌های وارداتی از غرب، شاخص‌های بومی برگرفته از کتاب و سنت، ابزار سنجش موفقیت‌ها و کاستی‌های جامعهٔ اسلامی شود.

۲-۱. معیارها و شاخص‌های حرکت جهادی

به‌طور خلاصه این معیارها عبارت‌اند از: خلوص و قصد قربت، تلاش مستمر و کار مضاعف، و استقامت و پایداری در طی مسیر پیشرفت؛ که به‌ترتیب این معیارها همراه با شاخص‌های آنها تبیین می‌شوند.

۲-۱-۱. خلوص و قصد قربت

کار برای خدا و با خلوص نیت، اولین و مهم‌ترین معیار حرکت جهادی است. اصولاً معیار سنجش عمل در اسلام، خلوص لوجه الله است. قرآن کریم بیش از پنجاه مورد در مقام بیان پیامدهای مثبت انواع جهاد، آن را با وصف «فی سَبِيلِ اللَّهِ» به‌معنای «در راه خدا» آورده است. به‌عبارت‌دیگر، آن پتانسیل قوی که در حرکت جهادی نهاده شده، منشأش اتصال به قدرت لایزال الهی است و این اتصال با قصد خالص و عمل برای حق - جل و علا - و بدون منت و ریا برقرار می‌شود؛ در نتیجه پیامدهای عظیم حرکت جهادی شکل می‌گیرد. کار برای خدا باشد، هدایت الهی شکل می‌گیرد (عنکبوت: ۶۹)؛ تقوای الهی باشد، دانش انجام فعالیت اقتصادی

به دنبالش ظهور می کند (بقره: ۲۸۲)؛ گشایش در کار پدید می آید (طلاق: ۲-۳) و سرانجام، برکات آسمان و زمین نازل و رشد اقتصادی محقق می شود (اعراف: ۹۶). برای سنجش درجه خلوص و قصد قربت می توان از شاخص «باور و احساس وجود خداوند متعال» با نامگرهای «باور به غیب، قیامت و کتب آسمانی»، «اقامه نماز» و «پرداخت زکات» (بقره: ۴-۲) استفاده کرد.

۲-۱-۲. تلاش مستمر و کار مضاعف

در حرکت جهادی، تلاش و همت مضاعف، ارزش محوری است. وجود روحیه کار و تلاش، باعث جهش و مقاومت سازی اقتصاد جامعه می شود.

در روایات معصومان علیهم السلام توجه زیادی به این ارزش محوری در عرصه تولید شده است و تلاشگر در راه تأمین روزی حلال خانواده (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۶۸)، رفع حوائج مسلمین و افراد ضعیف (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۲۷، ح ۱۷۵۷) و طلب علم (قتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰)، به منزله مجاهد فی سبیل الله معرفی شده است. تقویت فرهنگ کار و تلاش نقش تعیین کننده ای در رشد و توسعه اقتصادی دارد. مبدأ حرکت اغلب جوامعی که در تاریخ به موفقیت هایی دست یافته اند، اصلاح ذهنیت مردم نسبت به کار بوده است.

میزان اهتمام و ارزش گذاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کار و تلاش اقتصادی به حدی بود که وقتی از جنگ تبوک برمی گشت، یکی از کارگران مدینه به نام سعد انصاری به استقبال ایشان آمد. وقتی حضرت با او دست داد، احساس کرد که دستان وی زبر و خشن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از علت آن پرسید؟ وی عرض کرد: برای تأمین مخارج خانواده با بیل و طناب کار می کنم. در این هنگام، پیامبر مهربانی دستان وی را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۰). همچنین آن حضرت می فرمود: «خداوند بنده مومن دارای حرفه و شغل را دوست دارد» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۰۵).

در روایتی به نقل از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: مؤمن وقت خود را در شبانه روز به سه قسمت تقسیم می کند: بخشی را به عبادت و بندگی، بخشی را به کار و فعالیت اقتصادی، و سهمی را به لذت حلال و تفریح اختصاص می دهد (نهج البلاغه، ۱۳۶۶، ص ۱۰۱۴، حکمت ۳۹۶). این برنامه مطابق با فطرت انسان اقتصادی مؤمن است که به دنبال کسب سود حلال منصفانه برای انجام تکالیف شرعی و اجتماعی است. با فرض وزن یکسان به اقسام سه گانه و اغماض نسبت به درآمد حد کفافی، شاخص «ساعت کار مفید به ساعت کار استاندارد»، ساعت کار استاندارد «میانگین هشت ساعت کار مفید» برای سنجش تلاش مستمر و کار مضاعف و در نتیجه حرکت جهادی پیشنهاد می شود. هرچه این نسبت به عدد یک میل کند، تلاش مستمر و کار مضاعف صورت گرفته است.

۲-۱-۳. استقامت و پایداری

پیش از این بیان شد که واژه جهاد از ریشه «جهد» یا «جهد» به معنای مشقت و زحمت، و توان و طاقت است. کوشش جهادی حالتی حماسی، تقابلی، هوشمندانه، مستمر و صبورانه است. توقف، بریدگی و خمودگی از سنخ قعود

و نقطهٔ مقابل جهاد است. الگوهای موفق جهادی با صبوری و مقاومت به نتیجه رسیده‌اند. «میزان مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌های اجتماعی و حوادث طبیعی و بحران‌ها، نسبت به مورد نیاز» و «سرانهٔ انقاقات به معنای اعم» برای سنجش استقامت و پایداری و در نتیجه حرکت جهادی پیشنهاد می‌شود.

شاخص‌های زیر نیز قابلیت پیشنهاد برای سنجش حرکت جهادی را دارند: «شاخص پاکدستی مسئولان»، «درجهٔ خودباوری و اعتماد به نفس جامعه»، «شاخص بهبود محیط کسب و کار»، «میزان فعالیت تکلیف‌مدارانه به کل فعالیت اقتصادی» و «نسبت سهم عموم مردم از تولید ناخالص ملی به کل تولید ناخالص ملی».

۲-۲. معیارها و شاخص‌های دانش‌بنیانی

بر پایهٔ معیار بومی‌سازی دانش، با توجه به وزن بالای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حکمرانی در پیشرفت کشور، سه شاخص «میزان و کیفیت بهره‌گیری از دانش بومی (اسلامی - ایرانی) در هدایت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی»، «میزان و کیفیت شاخص‌های سنجش پیشرفت بومی (اسلامی - ایرانی)» و «میزان مدیریت فعال و رصد دانش‌های قدرت‌افزا و ثروت‌افزا» برای سنجش دانش‌بنیانی پیشنهاد می‌شود.

همچنین سه نسبت زیر برای سنجش دانش‌بنیانی بومی برای معیار فناوری پیشنهاد می‌شود:

۱. «نسبت ارزش کالاهای تولیدی با فناوری بالا به کل تولید ملی»: تعاریف متعددی برای کالاهای با فناوری بالا بیان کرده‌اند. تعریف فناوری مبتنی بر خروجی، میزان پیچیدگی نهفته در محصولات صنایع یا میزان تغییرات سریع رخ داده در این محصولات را مبنا قرار می‌دهد؛ و تعریف مبتنی بر ورودی، بر مبنای ورودی‌های فیزیکی یا انسانی به فرایند تولید تعریف می‌شود. شورای اطلاعات نیروی کار آمریکا محصولات و خدمات با فناوری بالا و پیشرفته را بخشی معرفی می‌کند که شامل تراکم بالایی از نیروی انسانی متخصص در علوم، فناوری، مهندسی و ریاضی است (محمدخانی و همکاران، ۱۳۹۹).

۲. «نسبت صادرات کالاهای دارای نوآوری فناورانه به کل صادرات»: هرچه میزان این شاخص افزایش یابد، نشان‌دهندهٔ رشد فناوری در نتیجهٔ تحقیق و توسعه است؛ چنان‌که از مهم‌ترین عوامل خوداتکایی در اقتصاد کشور است و به تبع آن، قوت درون‌زایی در عین برون‌نگر بودن را نشان می‌دهد.

۳. «نسبت شاغلان ماهر و متخصص به کل نیروی شاغل»: به‌طور طبیعی هرچه درجهٔ تخصص و مهارت نیروی کار افزایش یابد، درجهٔ دانش‌بنیانی ارتقا می‌یابد. این شاخص، افزون بر دانش‌بنیانی و کیفیت کالای تولیدشده، نشان‌دهندهٔ بهره‌وری نیروی کار نیز خواهد بود.

شاخص‌های زیر نیز قابلیت پیشنهاد برای سنجش دانش‌بنیانی را دارند: «میزان اختراعات و نوآوری در زمینهٔ کشف منابع جدید»، «میزان تجاری‌سازی نوآوری‌ها، در طول یک سال»، «میزان تولیدات دارای استاندارد به کل تولیدات»، «نسبت بودجهٔ تخصیص‌یافته به بومی‌سازی دانش و فناوری به کل بودجه»، «میزان همکاری دانشگاه‌ها

و صنعت در تحقیق و توسعه»، «نسبت صادرات محصولات دانش‌بنیان به کل صادرات»، «سرانه ثبت اختراعات به‌ازای یک میلیون نفر»، «مقالات علمی و فنی بومی به‌ازای یک میلیون نفر»، «سه‌م مخارج تحقیق و پیشرفت بومی از تولید ناخالص داخلی» و «تعداد محققان در بخش بومی تحقیق و پیشرفت».

۲-۳. معیارها و شاخص‌های مردم‌محوری

«اقتصادی که به‌عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست؛ با ارادهٔ مردم، سرمایهٔ مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند...؛ کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است؛ مال مردم است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱/۱/۱۳۹۳).

مفاد این سخنان گواه بر این است که در یک اقتصاد مقاومتی علاوه بر آنکه لازم است تمامی عوامل تولید، یعنی نیروی کار و سرمایه، به‌دست مردم باشد، باید مؤسسه‌های تولیدی نیز به‌دست مردم مدیریت شوند؛ چنان‌که در اقتصاد مردم‌بنیان تصمیم‌گیری فعالیت‌های اقتصادی کشور نیز توسط مردم انجام می‌پذیرد. دولت در اقتصاد مقاومتی مکمل مردم و هادی است. بنابراین چهار معیار «تصمیم‌گیری و ارادهٔ مردم»، «سرمایه‌گذاری مردمی»، «مدیریت مردمی مؤسسه‌های تولیدی» و «هدایت و نظارت دولت»، برای سنجش مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی استفاده می‌شود.

«آسان بودن دسترسی مردم به فعالیت‌های اقتصادی» شاخص مهمی برای مردمی بودن ساختار اقتصاد است. آسان بودن حضور مردم در بخش‌های مختلف اقتصاد - یعنی سرعت ورود سرمایه‌های آنها و مدیریت و تصمیم‌گیری‌شان در اقتصاد - انگیزه و ارادهٔ فعالیت را در ایشان برمی‌انگیزد و باعث ایجاد رغبت در فعالیت‌های مردمی در اقتصاد می‌شود.

یکی از ساده‌ترین شاخص‌هایی که می‌توان از طریق آن میزان مردم‌محوری در اقتصاد را سنجید، شاخص «نسبت سرپرستان خانوادهٔ دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان» است که هم‌زمان برای سنجش توازن نیز مناسب است.

چنان‌که مشاهده می‌شود، در این شاخص، سه مقوم «خانواده»، «اشتغال سرپرست» و «درآمد مکفی» وجود دارد که در آن، اولویت اشتغال نیز بر پایهٔ مبانی فقهی ملحوظ شده است. شاخص فوق با مردم‌محوری رابطهٔ مستقیم دارد؛ یعنی هرچه نسبت فوق افزایش یابد، میزان مردم‌محور بودن اقتصاد افزایش می‌یابد و بالعکس.

۲-۴. معیارها و شاخص‌های درون‌زایی

خودباوری، خوداتکایی و خودکفایی را می‌توان به‌عنوان معیارهای سنجش درون‌زایی معرفی کرد (ر.ک: لطفی، ۱۳۹۹). همچنین برای هریک از این معیارها می‌توان شاخص‌هایی معرفی کرد که به‌اختصار هریک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. مقابل این معیارها، وابستگی است که با توجه به میزان ضرورت کالا و خدمات موردنیاز در

کالا‌های وارداتی مشخص می‌شود. در اقتصاد اسلامی، عدم قدرت و توان اقتصادی توجیه‌کننده واردات نیست. در این نگرش، در بلندمدت واژه «نمی‌توانیم» و «قادر نیستیم» معنا و مفهوم ندارد.

۱-۲. اعتماد به نفس و خودباوری

خودباوری را می‌توان از معیارهای مهم درون‌زایی در نظر گرفت. خودباوری به معنای شناخت ظرفیت‌های داخلی کشور و اطمینان و باور ملی به توان داخل است. تا زمانی که شناخت صحیحی از ظرفیت نیروی انسانی، سرمایه و امکانات داخلی وجود نداشته باشد و مدیریت و برنامه‌ریزی صحیحی برای استفاده از این ظرفیت‌ها نباشد، درون‌زایی در کشور شکل نمی‌گیرد. با خودباوری احساس توانمندی در جامعه پدید می‌آید و زمینه برای رشد تولید، و سرانجام خوداتکایی و خودکفایی فراهم می‌شود.

حرکت به سمت استقلال اقتصادی و تقویت تولید ملی، حرکت جهادی را می‌طلبد. موج‌های پی‌درپی حرکت جهادی، زمینه را برای خودباوری فراهم می‌سازد. بر این اساس می‌توان «فرهنگ و روحیه جهادی» را شاخص دیگر وجود روحیه خودباوری دانست. همچنین «نسبت کار مفید افراد جامعه به کل ساعت کاری نیروی کار»، «تعداد گروه‌های جهادی با میانگین وزنی تعداد افراد و شدت فعالیت» و «میزان توجه برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی به ظرفیت‌های داخلی در برنامه‌ریزی‌ها» را می‌توان از نماگرهای وجود روحیه جهادی در جامعه دانست. «امید و نگاه خوشبینانه به آینده» شاخص دیگر خودباوری و کلید همه قفل‌هاست.

۲-۴. خوداتکایی

از جمله معیارهای درون‌زایی، خوداتکایی است. خوداتکایی به معنای تقویت توان داخلی، نه به معنای عدم استفاده از ظرفیت‌های خارج از کشور و قطع رابطه با خارج است. در خوداتکایی تلاش بر این است که در تأمین مواد اولیه، کالا‌های واسطه‌ای، دانش فنی و فناوری، نیروی کار متخصص و سرمایه مورد نیاز، حداقل برای تولید کالا‌های ضروری، به توان داخل تکیه شود. با توجه به توان و ظرفیت داخلی در تأمین مواد اولیه، دانش و فناوری، نیروی کار متخصص و سرمایه مورد نیاز برای تولید کالا، و بسته به نوع صنایع به لحاظ سرمایه‌بر، کاربر و دانش‌بر بودن، می‌توان درجه درون‌زایی در هر کالا را مشخص کرد.

یکی از لوازم تقویت درون‌زایی، اتکا به نیروی کار متخصص داخلی است. خوداتکایی در نیروی کار متخصص به این معناست که کشور نه تنها نیروی متخصص به میزان کفاف برای تأمین نیازهای ضروری جامعه داشته باشد، بلکه پیشاپیش برای نیازهای آینده، به‌ویژه دانش‌های قدرت‌افزا، مطالعه و ایده‌پردازی کند. دانش‌های ثروت‌افزا و قدرت‌افزا پیوسته مورد رصد و مدیریت علمی کشور قرار گیرد و نسبت به آن سرمایه‌گذاری شود.

کشوری که خود را به مرزهای دانش نرسانده، دانش را بومی‌سازی نکرده و زمینه را برای سهم‌بری در دانش‌های قدرت‌افزا برای خود فراهم نساخته باشد، پیوسته در رقابت میان کشورها - به‌ویژه قدرت‌های موجود جهانی و بالاخص با فرهنگ نفع‌طلبی و سودجویی غربی - در مقابل عمل انجام‌شده قرار خواهد گرفت و وابستگی

او هر روز تشدید خواهد شد. نیروی کار متخصص علاوه بر اینکه عاملی برای تولید است، منبع و منشأ فعالیت‌های نوآورانه و ارتقای بهره‌وری بوده، موجب ارتقای خوداتکایی است.

بنابراین «میزان مدیریت فعال و رصد دانش‌های قدرت‌افزا و ثروت‌افزا»، «تعداد متخصصین داخلی و شدت تخصص» یکی از شاخص‌های خوداتکایی و در نتیجه درون‌زایی در اقتصاد مقاومتی است. خوداتکایی در نیروی کار متخصص موجب کاهش آسیب‌پذیری می‌شود و در نتیجه زمینه را برای افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی فراهم می‌سازد.

«نسبت نیروی کار متخصص داخلی به کل نیروی کار» می‌تواند یکی از شاخص‌های خوداتکایی در نیروی انسانی متخصص و نشان‌دهنده این شاخص باشد. هرچه این نسبت بزرگ‌تر باشد، درجه خوداتکایی و در نتیجه میزان درون‌زایی و مقاومت اقتصادی کشور بیشتر است. با این شاخص می‌توان معیار خوداتکایی اقتصاد را اندازه‌گیری کرد. در عصر حاضر به دلیل گسترده شدن تخصص‌ها، امکان تربیت نیروی متخصص کافی برای جمیع زمینه‌ها دشوار است با وجود این، برای استحکام اقتصاد کشور در تولید کالاهای ضروری که پیوسته با رشد و پیشرفت جامعه در حال تغییر و ارتقا است، ضروری می‌باشد.

یکی از شاخص‌های خوداتکایی، میزان تکیه بر دانش و فناوری داخلی است. علم و فناوری در دنیای امروز از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و زیربنای توسعه پایدار در هر کشور محسوب می‌شود. با توجه به مبانی درون‌زایی در اقتصاد مقاومتی و فرصت پدیدآمده از تحریم‌ها، موقعیت برای بومی‌سازی فناوری فراهم است. این تهدید دشمن را باید به فرصت تبدیل کرد و بیشترین بهره را در راستای ارتقای فناوری کشور برد. همچنین لازم است تولید به‌سمتی هدایت شود که توان صادراتی کالاهای با دانش فنی و فناوری بالا افزایش یابد تا با ارزآوری ناشی از آن، منابع مالی لازم برای واردات برخی نهاده‌های اولیه یا کالاها و خدماتی که واردات آنها توجیه‌پذیر است، تأمین شود. از این‌رو از دو شاخص «میزان تولید محصولات و خدمات دانش‌بنیان به کل تولید ناخالص ملی» و «نسبت صادرات محصولات دانش‌بنیان به کل صادرات» می‌توان برای سنجش خوداتکایی بر مبنای دانش فنی استفاده کرد.

علاوه بر نیروی انسانی متخصص، «اتکا بر امکانات و سرمایه داخلی» نیز شاخصی برای سنجش معیار خوداتکایی است. جذب سرمایه داخلی و گسترش سرمایه‌گذاری موجب تقویت تولید ملی و ایجاد اشتغال می‌شود. برای سنجش میزان اتکا به سرمایه داخلی می‌توان از شاخص «نسبت سرمایه‌گذاری داخلی به تولید ملی» یا نقطه مقابل آن، «نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ملی» استفاده کرد. هدف اصلی از واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در کشورهای در حال توسعه، ایجاد ارتباط پیشین و پسین قوی در روند تولید است.

۳-۲. خودکفایی

در صورتی که میزان تولید کالا با میزان مصرف آن در کشور برابر باشد، کشور در آن کالا خودکفاست. خودکفایی به معنای بی‌نیاز بودن از خارج با تکیه بر توان داخلی، به‌ویژه در تولید کالاهای ضروری است. در

حالت عادی، خودکفایی در تمام محصولات توجیه اقتصادی ندارد؛ ولی در شرایط تهدید، به دلیل اولویت امنیت اقتصادی، ممکن است خودکفایی یک ضرورت باشد. در این شرایط، مشکل عدم مزیت نسبی را باید با ارتقای سطح دانش و فناوری و عبور از مزیت‌های نسبی طبیعی به سمت مزیت‌های نسبی اکتسابی یا مزیت نسبی پویا (مایر، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۸۵) حل کرد.

ضرورت خودکفایی در کالاهای اساسی، بسته به میزان احتمال تحریم و آسیب اقتصادی ناشی از آن، متفاوت خواهد بود. با جمع شدن دو ملاک «ضرورت کالا و خدمت» و «در معرض تحریم بودن»، درجه آسیب‌پذیری اقتصاد بیشتر و ضرورت خودکفایی و درون‌زایی از این طریق ارتقا می‌یابد. بنابراین، خودکفایی بیشتر در مورد کالاهای راهبردی و ضروری مطرح می‌شود. در برخی کالاها خودکفایی ضرورت ندارد و ممکن است با اعمال سیاست خودکفایی به بخش‌های دیگر اقتصاد نیز آسیب وارد شود.

شاخص مناسب برای سنجش خودکفایی، «نسبت تنوع صادرات به تنوع واردات» است. این شاخص خودکفایی و در نتیجه درون‌زایی، برون‌نگر بودن اقتصاد را نیز نشان می‌دهد. تنوع واردات به‌تنهایی و بدون توجه به تنوع صادرات، شاخص مناسبی برای سنجش وضعیت خودکفایی به‌عنوان معیار درون‌زایی و برون‌گرایی در اقتصاد نیست. اقتصادی که از مزیت تنوع صادرات برخوردار است، مانع کمتری برای تنوع واردات دارد. در واقع واردات را برای تقویت تولید داخل استفاده می‌کند؛ به‌ویژه اگر حجم زیادی از صادرات به کالاها و خدمات با فناوری بالا اختصاص یابد. اگر کشوری تنوع صادرات نداشته باشد، ممکن است تنوع واردات نشانگر وابستگی و مصرف‌گرایی باشد.

شاخص‌های زیر نیز قابلیت پیشنهاد برای سنجش درون‌زایی را دارند: «نسبت کالاها و خدمات راهبردی و ضروری تولید داخل به کل اقلام راهبردی و ضرور»، «نسبت کالا‌های مصرفی نهایی ضروری وارداتی به کل کالا‌های مصرفی ضروری»، «نسبت واردات کالا‌های ضروری به کل واردات»، «نسبت واردات کالا‌های سرمایه‌ای و واسطه‌ای به کل واردات»، «نسبت صادرات کالا‌های نهایی به کل صادرات»، «نسبت صادرات کالا‌های با ارزش افزوده بالا به کل صادرات» و «میزان تولید کالا‌های طیب به کل تولید ناخالص داخلی».

۵-۲. معیارها و شاخص‌های عدالت

عدالت براساس قلمروهای آن، به تساوی، حدوسط و میانه‌روی، دادن حق هر صاحب حق به آن، و استحقاق، معیارهای برابری فرصت‌ها، اعتدال و سه نوع معیار استحقاقی سهمی، عرفی و حد کفافی تعریف شده است.

بر پایه معنای تساوی و با توجه به قلمرو آن، معیار برابری فرصت‌ها، به‌ویژه در ثروت‌های اولیه و خدمات دولت معرفی می‌شود. بر مبنای مفهوم حدوسط و اعتدال و با توجه به قلمرو آن در مصرف و تولید، معیار اعتدال استخراج می‌گردد. براساس مفهوم استحقاق در قلمروهای مختلف، معیارهای متفاوت استخراج می‌شود. در قلمرو توزیع سهم عوامل تولید، معیار استحقاقی سهمی، در قلمرو توزیع مجدد بر پایه حق نیاز، معیار استحقاقی حد کفافی، و در قلمرو

نقشه عیال، معیار استحقاق عرفی معرفی می‌شود. سرانجام در عدم تفاوت فاحش طبقات درآمدی معیار توازن در سطح زندگی، درآمد و ثروت به‌عنوان معیار عدالت معرفی می‌شود. از آنجاکه این معنا در جامعه به‌مثابه کل موردنظر است، به ارائه شاخص‌های توازن اکتفا می‌شود.

«عدالت اجتماعی بدین معناست که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های نابحق و محرومیت‌ها از میان برود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۴/۲۳). در بعضی روایات، «کفاف» مرادف وسعت در زندگی و با تعبیر «بِما یَسْعُهُمْ» نام برده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶۱) و در مواردی این دو واژه به‌جای یکدیگر به‌کار رفته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۹)؛ چنان‌که در تعیین حد زکات الحاق محرومین به مردم تعیین و از عبارت «حَتَّى یَلْحَقَهُم بِالنَّاسِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶ ص ۱۸۰) استفاده شده است. بنابراین، منظور از «کفاف» تأمین نیازها در حد سطح زندگی عمومی است. مفهوم زندگی مکفی مفهومی وسیع، قابل انعطاف و پویاست. به‌عبارت‌دیگر، هراندازه رشد اقتصادی و در نتیجه درجه رفاه و آسایش عمومی بیشتر شود، مفهوم فوق‌گسترش می‌یابد.

به‌نظر می‌رسد که با تعریف توازن و حد کفاف در سطح زندگی بتوان با ابزار سنجش انحرافات در آمار برای سنجش عدالت اقتصادی در این حوزه، بدون مواجهه با اشکالات وارد بر شاخص‌های مبتنی بر مدل انحرافات، شاخص‌سازی کرد.

براین‌اساس می‌توان با استفاده از معادلات ساده سنجش انحراف به‌عنوان ابزار برای سنجش میزان کفاف، یعنی تعیین مجموعه میان دو کرانه و انحراف از کرانه پایین و بالا استفاده کرد. به‌عبارت‌دیگر، مفهوم عدالت به‌معنای عدم تفاوت فاحش طبقاتی یا فرار گرفتن عمده جامعه میانه دو کرانه کفاف را در قالب ابزار آماری انحرافات ارائه کرد. برای این منظور، شاخص «پراکندگی نسبی تفاضل پذیرفته‌شده» را به‌صورت زیر معرفی می‌کنیم.

هرچه تعداد خانواده‌های بیشتری در جامعه درون این دو کرانه قرار گیرند، جامعه به‌عدالت نزدیک‌تر است و نشان از مناسب بودن عملکرد مجموعه عوامل تأثیرگذار در عدالت، یعنی خانواده با وظیفه نفقات واجب، عموم مسلمین با وظیفه تکافل اجتماعی و دولت با مسئولیت خاص خود است.

می‌توان میانگین کرانه بالا و پایین سطح کفاف و تمرکز سطح زندگی حول میانگین را محاسبه کرد. به این وسیله، پراکندگی در دامنه کفاف یا تفاضل پذیرفته‌شده به‌عنوان کرانه پایین و بالا را مطلوب، و کمتر و فراتر از قلمرو تفاضل پذیرفته‌شده را خروج از محدوده عدالت تلقی کرد. شاخص زیر می‌تواند پراکندگی نسبی سطح زندگی را برآورد کند.

$$Kaf = \sqrt{\frac{\sum(KH - \mu)^2}{N \mu}}$$

KH نماد سطح زندگی (سطح مصرف) خانواده i ام، μ میانگین سطح زندگی دامنه تفاضل پذیرفته‌شده و N تعداد خانواده‌هاست.

برای سنجش میانگین سطح زندگی مورد استفاده در معادله فوق، «میانگین پیراسته تنظیم شده با مدل ارائه شده» پیشنهاد می‌شود. در میانگین پیراسته ۲۵٪ داده‌ها را از بالا و ۲۵٪ داده‌ها را از پایین حذف کرده، میانگین باقی مانده داده‌ها را محاسبه می‌کنند. همچنین می‌توان پیراسته ۱۰٪ یا ۲۰٪ را محاسبه کرد. بنابراین به جای درصدهای تصادفی، می‌توان آن تعداد یا درصد از خانواده‌ها را که کمتر از حد کفاف و بالاتر از سطح زندگی عمومی هستند، جدا کرد و میانگین دو کرانه را محاسبه و در ضریب پراکندگی فوق جای گذاری نمود.

به دلیل مشکل بودن محاسبه صورت کسر داخل رادیکال می‌توان از فرمول ساده‌تر زیر استفاده کرد:

$$Kaf = \frac{\sqrt{\frac{\sum KH}{N} - \mu^2}}{\mu}$$

هرچه پراکندگی عدد به دست آمده کمتر باشد، جامعه به سمت توازن و در نتیجه عدالت اقتصادی بیشتر حرکت می‌کند. همچنین شاخص «نسبت خانواده‌های درون تفاضل پذیرفته شده به کل خانواده‌ها» می‌تواند حد کفاف و

$$\text{در نتیجه توازن را مورد سنجش قرار دهد. } Kaf = \frac{S}{N}$$

در این شاخص S تعداد خانواده‌های موجود در دامنه تفاضل پذیرفته شده و N تعداد خانواده‌های موجود در جامعه است.

سه مرحله زیر برای سنجش این شاخص ضروری است:

الف) مشخص کردن جامعه نمونه برای تعیین کرانه پایین و بالای کفاف با ویژگی‌های ذکر شده و معیار عرف؛

ب) محاسبه و برآورد کرانه پایین و بالای کفاف با معیار عرف؛

د) تعیین درصد خانواده‌های موجود در دامنه کفاف نسبت به کل خانواده‌ها.

از آنجاکه معیار، برابری در سطح زندگی نیست، بلکه در میانه دو کرانه بالا و پایین کفاف بودن است، توزیع در میان این دو کرانه، توزیع قابل قبولی است.

مزیت این شاخص به این است که افزون بر محور قرار دادن خانواده، در آن، مفهوم حد کفاف و به تبع آن، مفهوم فقر و غنا، مفهومی پویاست و همراه با رشد اقتصاد و دانش فنی تغییر می‌کند.

خوشبختانه طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال هاست توسط مرکز آمار ایران در حال انجام است. پرسش نامه نسبتاً جامع و فراگیری از مجموعه هزینه‌ها و مخارج خانوار، اعم از بادوام و بی‌دوام و خوراکی و غیرخوراکی، فراهم و به این وسیله هر ساله هزینه‌های زندگی خانوارها برآورد می‌شود.

شاخص «نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان»، می‌تواند شاخص مناسبی نه تنها برای سنجش توازن، که هم‌زمان برای اندازه‌گیری اشتغال نیز مناسب باشد.

چنان که مشاهده می‌شود، در این شاخص سه مقوم «خانواده»، «اشتغال سرپرست» و «درآمد مکفی» وجود دارد که در آن، اولویت اشتغال نیز بر پایه مبانی فقهی ملحوظ شده است.

اشتغالی که به درآمد مکفی بینجامد، شاخص مناسبی برای سطح زندگی حد کفافی است. اشتغال سرپرست خانواده به کاری که منتهی به درآمد حد کفافی باشد، نشان‌دهنده این است که درآمد در حد کفاف در خانواده وجود دارد.

$$F = \frac{Nk}{Nf}$$

Nk تعداد سرپرستان خانواده با درآمد در حد کفاف و Nf مجموعه سرپرستان خانواده‌های کشور است. اشتغال به کار با درآمد مکفی برای همه سرپرستان خانواده که مسئولیت پرداخت نفقه بر عهده آنهاست، یک حق است. اگر فردی جویای کار باشد و به دلیل کوتاهی مسئولان، شغل برای او فراهم نشود، بی‌عدالتی رخ داده است. در نتیجه هرچه نرخ بیکاری بیشتر باشد، بی‌عدالتی بیشتر خواهد بود.

بعد خانوار و تعداد افراد تحت تکفل، از عوامل تأثیرگذار بر حد کفاف است. هرچه تعداد افراد تحت تکفل بیشتر باشد، درآمد بیشتری می‌طلبد. بنابراین لازم است که این شاخص نسبت به افراد تحت تکفل تعدیل شود.

مزیت این شاخص در این است که نه تنها موفقیت و عدم موفقیت افراد جامعه را نشان می‌دهد، بلکه به دلیل متأثر بودن اشتغال از سیاست‌های دولت، تا حدودی میزان موفقیت و عدم موفقیت دولت در انجام مسئولیت و وظیفه عدالت اقتصادی را نیز نشان می‌دهد. مزیت دیگر این شاخص این است که مواد خام آن در درون «طرح آمارگیری نیروی کار کشور» که توسط مرکز آمار ایران هر ساله انجام می‌شود، وجود دارد.

نتیجه‌گیری

فهرست معیارها و مهم‌ترین شاخص‌های پیشرفت اقتصادی مقاوم، به‌عنوان جمع‌بندی و پیشنهاد ارائه می‌شود:

الف) جهادی - مردمی

۱. میزان باور و احساس وجود خداوند متعال (ایمان و تقوا)؛
۲. ساعت کار مفید به ساعت کار استاندارد؛
۳. نسبت مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌های اجتماعی و حوادث طبیعی و بحران‌ها نسبت به کل مشارکت؛
۴. سرانه انفاقات به معنای اعم؛
۵. شاخص پاک‌دستی مسئولان؛
۶. درجه خودباوری و اعتماد به نفس جامعه؛
۷. شاخص بهبود محیط کسب‌وکار؛
۸. میزان فعالیت تکلیف‌مدارانه به کل فعالیت اقتصادی؛
۹. نسبت سهم عموم مردم از تولید ناخالص ملی به کل تولید ناخالص ملی؛
۱۰. آسان بودن دسترسی مردم به فعالیت‌های اقتصادی؛
۱۱. نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان.

ب) دانش‌بنیانی

۱. میزان و کیفیت بهره‌گیری از دانش بومی (اسلامی - ایرانی) در هدایت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی؛
۲. میزان و کیفیت شاخص‌های سنجش پیشرفت بومی (اسلامی - ایرانی)؛
۳. میزان مدیریت فعال و رصد دانش‌های قدرت‌افزا و ثروت‌افزا؛
۴. سهم دانش در ارزش افزوده در کل تولید؛
۵. میزان اختراعات و نوآوری در زمینه کشف منابع جدید؛
۶. میزان تجاری‌سازی نوآوری‌ها در طول یک سال؛
۷. نسبت بودجه تخصیص‌یافته به بومی‌سازی دانش و فناوری به کل بودجه؛
۸. میزان همکاری دانشگاه‌ها و صنعت در تحقیق و توسعه؛
۹. نسبت صادرات محصولات دانش‌بنیان به کل صادرات؛
۱۰. سهم مخارج تحقیق و پیشرفت بومی از تولید ناخالص داخلی؛
۱۱. تعداد محققان در بخش بومی تحقیق و پیشرفت.

ج) درون‌زایی

۱. میزان مدیریت فعال و رصد دانش‌های قدرت‌افزا و ثروت‌افزا؛
۲. نسبت نیروی کار متخصص داخلی به کل نیروی کار؛
۳. اتکا بر امکانات و سرمایه داخلی؛
۴. نسبت سرمایه‌گذاری داخلی به تولید ملی؛
۵. نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ملی؛
۶. نسبت کالاها و خدمات راهبردی و ضروری تولید داخل به کل اقلام راهبردی و ضروری؛
۷. نسبت واردات کالاهای ضروری به کل واردات؛
۸. نسبت واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به کل واردات؛
۹. نسبت صادرات کالاهای نهایی به کل صادرات؛
۱۰. نسبت صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا به کل صادرات؛
۱۱. میزان تولید کالاهای طیب به کل تولید ناخالص داخلی.

د) عدالت‌محوری

۱. شاخص کفاف یا سطح زندگی عمومی (نسبت خانواده‌های درون حد کفاف به کل خانواده‌ها)

$$Kaf = \frac{\sqrt{\frac{\sum KH}{N} - \mu^2}}{\mu}$$

$$F = \frac{Nk}{Nf}$$

۲. نسبت سرپرستان خانواده دارای اشتغال با درآمد مکفی به کل سرپرستان

۳. نسبت انفاقات به ظرفیت انفاق جامعه.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۶۶، ترجمه مصطفی زمانی، قم، پیام اسلام.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمیدین هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر، عزالدین، ۱۴۱۵ق، اسد الغابۃ فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- اختری، عباسعلی، ۱۳۹۵، اقتصاد مقاومتی (زمینه ها - راهکارها)، تهران شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- بیانات رهبر معظم انقلاب، در: khamenei.ir
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش.
- پیغامی، عادل و مصطفی سمعی نسب، ۱۳۹۴، مقاوم سازی اقتصاد در ادبیات متعارف، مبادی علمی و نظری، تهران، دانشگاه امام صادق.
- سید حسین زاده یزدی، سعید و همکاران، ۱۳۹۴، جستارهایی در اقتصاد مقاومتی؛ تحریم های اقتصادی ایران؛ مبانی، ابعاد و راهکارها، تهران، دانشگاه امام صادق.
- پیغامی، عادل، ۱۳۹۳، درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی، تهران، دانشگاه امام صادق.
- ترابزاده چهرمی، محمدصادق و همکاران، «بررسی ابعاد و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۲، ص ۳۱-۴۶.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۵، خاکریز اقتصادی؛ خوانشی بر اقتصاد مقاومتی، تهران، کانون اندیشه جوان.
- حرامعلی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البیت.
- خلیلیان اشکردی، محمدجمال، ۱۳۹۵، «ثبات اقتصادی کشور در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی»، پژوهش های اقتصاد مقاومتی، دوره ۱، ش ۲، ص ۸۳-۱۰۸.
- رجائی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۰۲، «هدایت و سیاست های رسول خدا ﷺ به سمت پیشرفت اقتصادی (با تأکید بر زیرساخت ها)»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۵۴، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- شقایق شهری، وحید و محمدحسین کریم، ۱۳۹۵، «اثرات فساد مالی بر درون زایی اقتصاد ایران در راستای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی»، سیاست های راهبردی و کلان، ش ۱۵، ص ۶۳-۸۰.
- شیخ، علیرضا و همکاران، ۱۳۹۸، «الگوی عدالت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، مطالعات دفاعی استراتژیک، ش ۷۸، ص ۲۰۳-۲۲۸.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عبدالملکی، حجت الله، ۱۳۹۳، اقتصاد مقاومتی؛ درآمدی بر مبانی، سیاست ها و برنامه عمل، تهران، دانشگاه امام صادق.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۳۷۵، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، رضی.
- قاسمی، علی، ۱۳۹۹، مبانی، مؤلفه ها، معیارها و شاخص های مشارکت مردم در اقتصاد مقاومتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، ج چهارم، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- گریفین، کیت، ۱۳۸۲، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، تهران، نشر نی.
- لطفی، حبیب الله، ۱۳۹۹، مؤلفه های درون زایی در اقتصاد مقاومتی و راهبردهای تحقق آن در ج.ا.ا، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مایر، جرالذ، ۱۳۸۲، فضای بین المللی تجارت، رقابت و حاکمیت در اقتصاد جهانی، ترجمه علی حبیبی، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

محمدخانی، سمانه و همکاران، ۱۳۹۹، «سنجش اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت عوامل مؤثر بر صادرات گروه‌های محصولات با فناوری بالا در ایران»، *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ش ۴۱، ص ۷-۵۰.

معین، محمد، ۱۳۸۶، *فرهنگ معین*، تهران، زرین.

میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۱، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۷، ص ۴۹-۷۶.

نجفی، موسی، ۱۳۹۱، *اندیشه تحریم و خودباوری*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

نمازی، حسین، ۱۳۹۹، «تحلیلی از شرایط اقتصادی کشور و راهکارهای پیشنهادی»، *فرهنگستان علوم* (خبرنامه)، سال بیستم، ش ۷۴، ص ۵-۹.

نوفرستی، محمد، ۱۳۹۵، «اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ش ۱۵، ص ۱۵۷-۱۶۸.

یوسفی، احمدعلی، ۱۳۹۳، «مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۵۳، ص ۵۷-۸۴. —، ۱۳۹۵، *نظام اقتصاد مقاومتی*، قم، نگاه فارسی.

APEC, 2000, *TOWARDS KNOWLEDGE-BASED ECONOMIES IN APEC*, APEC Publications.
Hadad, S., 2017, *Knowledge Economy: Characteristics and Dimensions*, Management Dynamics in the Knowledge Economy.

OECD Knowledge-Based Economy [Report], 1996, Paris, OECD Distribution.

OECD The Knowledge-Based Economy: A Set of Facts and Figures [Book], 1999, Paris, OECD.

